خبر

رقابت در «سینماحقیقت» جدی است

مدیر مرکز مستند سوره حوزه هنری با تاکید بر اهمیت جشنواره «سینماحقیقت» تأکید کرد فضای رقابتی در این رویداد بسیار جدی است. امیر مهریزدان درباره جشنواره سینماحقیقت وتأثیر آن بر جریان سینمای مستند، گفت: جشنواره سینماحقیقت را از این جنبه مغتنم می‌دانم که تبدیل به یک رویداد هنری در فضای مستند شده که حضور و کسب جایزه در آن اتفاقی مهم برای مستندسازان بوده و رقابت در آن بحثی جدی است.

لذا این رویداد برای ما هم به عنوان کسانی که دوست داریم در این عرصه به تولید اثر بپردازیم، مورد توجه است. او با بیان این‌که ملاحظاتی هم نسبت به جشنواره سینماحقیقت دارد، ادامه داد: گاهی ممکن است مجموعه آثاری که در جشنواره سینماحقیقت حائز جایزه ورتبه می‌شوند، فضایی داشته باشند تا به لحاظ محتوایی خیلی با آن فضایی که ما در جبهه فرهنگی انقلاب دنبال می‌کنیم، نزدیکی نداشته باشد. البته این موضوع مربوط به جشنواره نبوده و بیشتر به سفارش‌دهنده‌ها و سازنده‌ها مرتبط است. اتفاقا (به همین دلیل) معتقدیم به‌عنوان مرکز مستند سوره باید بایستیم و این بخش را بهتر کنیم؛ یعنی وقتی محتوای خوبی داریم، آنچنان که باید آن را هنری و خوب بسازیم که در جشنواره قابلیت رقابت با آثار هنری درجه یک و خوب را داشته باشد. جشنواره سینماحقیقت از ۲۰ تا ۲۵ آذر در پردیس سینمایی ملت برگزار می‌شود./مهر

یادداشت

درام تاریخی ضداستبدادی «راتنام»

کیکاوس زیاری
گروه فرهنگ و هنر

مانی راتنام، فیلمساز مولف جنوب هند که برای درام‌های اجتماعی و پرتنش خود شهرت بین‌المللی دارد، فیلم تازه‌اش را با نام «کی اچ ۲۳۴» در شهر مدرس جلوی دوربین می‌برد. کمال حسن، بازیگر سرشناس جنوب هند که در بالیوود هم فیلم‌هایی بازی کرده، نقش اصلی ساخته راتنام را به عهده دارد. این دو ۳۵ سال قبل درام اجتماعی و گنگستری «نیاکان» را با یکدیگر کار کرده بودند که فروش بسیار بالایی در سراسر هند داشت و با نقدهای مثبت منتقدان سینمایی همراه بود.

برای موسیقی متن این درام پرتنش از آ.ار رحمان، آهنگساز سرشناس مسلمان هند که چند سال قبل هم مهمان هنرمندان ایرانی بود، دعوت به همکاری شده‌است. اطلاعی از داستان فیلم در دست نیست و سازندگانش هنوز در این رابطه اطلاع‌رسانی نکرده‌اند.

با این حال، منابع نزدیک به فیلم از آن به عنوان درامی تاریخی یاد می‌کنند که اختصاص به بخش مهمی از تاریخ هند و مبارزات مردم آن علیه استعمار بریتانیای کبیر دارد. از قرار معلوم، کمال حسن در این درام ضد استبدادی و آزادیخواهانه در قالب یکی از شخصیت‌های مشهور و انقلابی تاریخ هند بازی می‌کند.

مانی راتنام در مصاحبه‌ای با نشریات هندی گفته‌است: «تاریخ کشور هند همیشه برای مردم آن اهمیت بسیاری

داشته‌است و نسل جوان هیچ وقت آن را فراموش نخواهدکرد. سینما می‌تواند در این رابطه کارهای زیادی انجام دهد و همواره به یاد مردم بیندازد گذشتگان و نیاکان‌مان برای سربلندی کشور و اعتبار و استقلال آن چه کارهای شگرفی کرده‌اند.» همین اظهارات گمانه‌زنی را در رابطه با تاریخی بودن کی اچ ۲۳۴ بیشتر کرده و این در حالی است که تلاش رسانه‌های گروهی برای پیدا کردن نام کامل فیلم (که به صورت مخفف نوشته شده) به نتیجه‌ای نرسیده‌است.

منتقدان و تحلیلگران اقتصادی سینما در باره اثر جدید راتنام که با حال و هوایی تاریخی ساخته می‌شود، به این نکته اشاره می‌کنند که در چند سال اخیر تماشاگران توجه بسیاری به فیلم‌های تاریخی نشان داده و استقبال خیلی خوبی از آنها در زمان نمایش عمومی کرده‌اند.

بلاک باستر شدن فیلم‌های تاریخی در جدول گیشه نمایش هند و در شرایطی که در دوران بعد از کرونا استقبال زیادی از فیلم‌های جدید نشده‌است، راه تازه‌ای پیش روی فعالان و دست‌اندرکاران سینمایی کشور قرار داده و آنها را به سمت تولید فیلم‌هایی با مضمون عمیق تاریخی سوق داده‌است. بازیگران سرشناس بالیوودی هم از این جهتگیری استقبال کرده و آمادگی‌شان را برای حضور در این ژانر موفق سینمایی ابراز کرده‌اند. در این میان، واکنش اهالی سیاست به این روند جدید هم جالب بوده‌است.

تقریبا تمام سیاستمداران سرشناس هند و احزاب فعال سیاسی در این کشور، از تولید درام‌های تاریخی درباره اتفاقات سیاسی و اجتماعی صد سال اخیر (به ویژه انقلاب هند و استقلال از سلطه استبدادی بریتانیای کبیر) استقبال کرده‌اند. کی اچ ۲۳۴ برای نمایش عمومی در تابستان ۲۰۲۴ آماده می‌شود و جزو کارهای پرخرج سینمای این کشور آسیایی به حساب می‌آید./ بالیوود هنگاما

نگاهی به چالش‌های موسسه‌ای به نام «خانه سینما»

ماجرای تخم‌مرغ‌های یک مرغ خیالی!

سعید مستغاثی
نویسنده و مستندساز

در صحنه‌ای از فیلم «آنی‌هال» ساخته وودی‌آلن، شخصیت اصلی داستان به نام آلوی سینگر (که خود وودی آلن نقش را بازی می‌کند) مشغول تعریف‌کردن یک جوک است. او در این جوک می‌گوید: «... یک نفر می‌رود پیش روانپزشک و می‌گوید که برادرش دیوانه شده، چون او فکر می‌کند که یک مرغ است. دکتر می‌پرسد که خب، چرا برادرت را اینجا نمی‌آوری؟ مرد پاسخ می‌دهد: همین کار را می‌خواستم بکنم اما فکر کردم که به تخم‌مرغ‌هایش احتیاج دارم!»

به نظر می‌آید این جوک وودی‌آلن در فیلم آنی‌هال مصداق بامزه‌ای از موقعیت موسسه‌ای موسوم به خانه سینماست و گروه‌هایی که بر سر آن مشغول نزاع بوده و هستند. اگر سیر وقایعی که طی این سال‌ها بر سر این موسسه آمده را مرور کنید، تصدیق می‌فرمایید که ماجرا بسیار بامزه‌تر از جوک وودی‌آلن هم هست. موقعیتی که در عین بعد طنزآمیز، برای سینمای ایران و اهالی آن بسیار هم تلخ می‌نمایاند، بیشتر از آن تلخی‌ای که در انتهای جوک وودی‌آلن احساس می‌شود.

هنوز سه ماه از آخرین انتخابات هیات‌مدیره این موسسه نگذشته اگرچه به دلایل عدم احراز صلاحیت برخی اعضا و تشکل‌های شرکت‌کننده در آن، چندین‌بار به تاخیر افتاد اما در نهایت وقتی در اوایل شهریور ۱۴۰۱ برگزار گردید و تعدادی به‌عنوان اعضای هیات‌مدیره انتخاب شدند، گروهی دیگر از اصناف سینمایی که به حساب نیامده بودند با صدور بیانیه‌ای، هشت تخلف آشکار هیات‌مدیره و همچنین هیات‌رئیسه مجمع عمومی برای انتخابات یادشده را سیاهه کردند و اساسا هیات‌مدیره به‌اصطلاح منتخب را زیر علامت سؤال برده و آن را فاقد هرگونه صلاحیت و وجاهت قانونی معرفی کردند. اصناف فوق‌الذکر از نهادهای مسئول (ناظر مجمع، سازمان سینمایی و وزارت ارشاد) ابطال انتخابات مجمع عمومی را به‌عنوان گام اول در راستای استیفای حقوق اعضا خواستار شدند.

هیات‌مدیره فاقد صلاحیت و مدیرعامل!

و حالا این خانه سینما با آن هیات‌مدیره فاقد صلاحیت که بعد از گذشت سه ماه هنوز برایش مدیرعامل هم انتخاب نشده و علاوه بر انفعال و کم‌کاری‌های گذشته، بسیاری از وظایف اصلی‌اش نیز پادرهوا مانده، در کمال حیرت ناظران و اعضای خود، نهادهای مسئول را تهدید کرده که اگر خواسته‌های شبه‌سیاسی‌شان تحقق نیابد، دست به تحصن و اعتصاب خواهند زد و اعضای‌شان از شرکت در فیلم‌های سینمایی و سریال‌های تلویزیونی خودداری می‌کنند! طرفه آن‌که بازهم جمع کثیری از اصناف سینمایی اطلاعیه صادر کرده‌اند که تصمیم هیات‌مدیره فاقد صلاحیت خانه سینما، مبنی بر اعتصاب و تحصن، ربطی به آنها نداشته و بدون مشورت با اصناف سینمایی گرفته شده است. در اطلاعیه این اصناف به طعنه آمده که اگر هیات‌مدیره مذکور خیلی اهل اعتصاب است، چرا از اهالی سینما مایه می‌گذارد؟ لااقل از خودشان مایه بگذارند و کمی از پست‌های مدیریتی که سال‌هاست اشغال کرده‌اند کوتاه بیایند!

اینک درحالی‌که بسیاری از اصناف سینمای ایران، خود را در تصمیمات خانه سینما دخیل ندانسته و نه هیات‌مدیره و نه بیانیه جنجالی آنها را انتخاب و تصمیم خود نمی‌دانند، رئیس همان هیات‌مدیره تحمیلی، به نمایندگی از همین اصناف سینمایی مخالف، سخن گفته و مدعی گفت‌وگو از سوی آنها شده است! آیا این ماجراهای مضحکه‌آمیز شبیه همان تخم‌مرغ‌های خیالی فیلم وودی‌آلن نیست؟! قدیمی‌ها می‌گفتند این موضوع مربوط به زمانی است که امر بر کسی مشتبه شود! و حالا مثل انتظار تخم‌مرغ‌های برادر آلوی سینگر توسط خود آلوی، گویی این امر بر گردانندگان تحمیلی خانه سینما هم مشتبه شده که انگار واقعا نماینده اصناف سینمایی هستند و انتظار دارند هر دستوری بدهند، همه اجرا کنند! اما واقعیت این است که وجود خانه سینما به‌عنوان مدافع حقوق صنفی اهالی سینمای ایران طی این سال‌ها در حد یک تصویر محو یا یک سایه یا یک توهم تلخ جلوه کرده است!

خانه سینما به وظیفه اصلی‌اش که دفاع از حقوق صنفی اهالی سینما در مقابل کارفرمایان سینمایی بود عمل نکرد

اصنافی که کارفرما بر آن حکم می‌راند!

مهم‌ترین موضوعی که خانه سینما را به‌عنوان جامعه اصناف سینمای ایران در حد یک توهم برای صنوف سینمایی تنزل داد آن بود که موسسه موسوم به خانه سینما در طول همه این سال‌های فعالیت، تقریبا در هیچ‌یک از شکایت‌های صنفی در دفاع از حقوق اعضایش خصوصا آنها را که صنوف درجه ۲ تلقی می‌کرد، حضور نداشت و به وظیفه اصلی‌اش که دفاع از حقوق صنفی اهالی سینما در مقابل کارفرمایان سینمایی بود عمل نکرد و البته این فقره نیز طبیعی بود چراکه همواره هیات‌مدیره و مدیریت‌عامل خانه به‌اصطلاح سینما در تیول کارفرمایان بود که یا وابستگان به دولت بودند یا از تهیه‌کنندگان به‌اصطلاح بخش خصوصی. این نقض غرض مضحک که در هیچ صنف و سندیکایی در هیچ کجای دنیا سابقه ندارد اما همواره در طول دوران فعالیت خانه معروف به سینما برقرار بود و این سؤال نزد اهالی سینما باقی ماند که چگونه هیات‌مدیره و مدیریت‌عاملی که در اختیار کارفرمایان سینما (همان تولیدکنندگان و تهیه‌کنندگان) است می‌تواند از حقوق صنفی کارگران و کارمندانش (همان صنوف که اکثریت اهالی سینما را تشکیل داده‌اند) در مقابل آن کارفرمایان دفاع کند؟! به هرحال اساسی‌ترین حقوق صنفی و سندیکایی همواره در چالش مابین کارگر و کارفرما معنی پیدا می‌کند و اینجاست که انجمن‌های صنفی و سندیکاها می‌بایست وارد عمل شوند اما متاسفانه از آنجاکه خانه سینما در چنبره تهیه‌کنندگان بوده و بیش از هر صنفی، حافظ و مدافع منافع همین کارفرمایان جلوه کرده، طبعا هیچ‌گاه نتوانست در طول فعالیتش از حقوق صنفی اکثریت اعضای خود در مقابل کارفرمایان یا همان تهیه‌کنندگان دفاع کند.

خانه سینما با آن هیات‌مدیره فاقد صلاحیت که بعد از گذشت سه ماه هنوز برایش مدیرعامل هم انتخاب نشده پادرهوا مانده است

ریاست نوبتی؛ گاهی در میدان و گاه روی نیمکت ذخیره‌ها

از همین روی خانه موسوم به خانه‌سینما به‌جز حوالی زمان برگزاری مراسمی که تقریبا هرسال تحت عنوان جشن سینمای ایران برگزار شد، محلی برای حضور ولو نمایشی اغلب صنوف سینمایی نبود. درحالی‌که در میان همان صنوف حاکم بر خانه سینما، تشتت بسیاری وجود داشت. تهیه‌کنندگان، چهار شاخه شدند و هیچ‌کدام هم دیگری را قبول نداشت و هریک خود را صنف اصلی می‌پنداشت. ضمن این‌که اکثریت چهار شاخه فوق نیز خود را از دماغ فیل افتاده محسوب نموده و بقیه اهالی سینما را به نوعی نان‌خور خویش به‌شمار می‌آوردند! فیلمنامه‌نویسان برای خود دفتری جداگانه باز کردند و صنف بازیگران نیز دچار بحران‌های متعددی شد؛ یک‌بار صنف‌شان تعطیل شد، بعد انتخاباتی برگزار شد که گروهی آن را قبول نداشتند و به‌هرحال کجدارومریز روزگار گذراندند. کارگردانان نیز به همین منوال دچار تشتت و اختلاف شدند و شورای مرکزی‌شان چندین بار گرفتار تغییر و تحولات ناگهانی و استعفا و اعتراض و... شد. البته حاکمیت کارفرمایان سینمایی بر این جامعه اصناف سینما، میان خودشان هم نوبتی بود، یعنی هر بار یکی از همان چهار شاخه تهیه‌کنندگان، زمام امور را در دست می‌گرفت و رفیق و رفقای خود را متمتع می‌ساخت و از شاخه‌های دیگر فحش و بد و بیراه و تحریم و بایکوت دریافت می‌نمود و البته نیم نگاهی هم به فیلمنامه‌نویسان، کارگردانان، بازیگران و گاهی فیلمبرداران و تدوینگران داشت اما سر ۲۷ صنف سینمایی دیگر (که درجه ۲ تلقی می‌شدند) تقریبا بی‌کلاه می‌ماند.

فقط یک دفترچه نیم بند و یک قطعه قبر

تنها عملکرد صنفی از خانه موسوم به خانه سینما به‌عنوان جامعه به اصطلاح اصناف سینمای ایران، یک دفترچه بیمه نیم‌بند تامین اجتماعی بود که تا وقتی در اختیار مدیریت این خانه قرار داشت به صورت قطره‌چکانی ارائه شد. به این معنا که بیمه‌شدگان بینوای سینما بعضا هر سه ماه یک‌بار باید راهی شعبه شمیران سازمان تامین اجتماعی می‌شدند و در صف‌های طویل گوناگون وقت تلف می‌کردند تا برای سه ماه دیگر دفترچه تقریبا بی‌خاصیت خود را تمدید کنند (چون دفترچه مذکور در بسیاری از مراکز درمانی اعتباری نداشت). به جز قضیه دفترچه بیمه، یک تاییدیه برای (البته برخی) اعضای شناخته شده سینما هم صادر می‌شد که به هنگام فوت در قطعه هنرمندان به خاک سپرده شوند و احیانا برنامه‌ای هم برای برگزاری مراسم تشییع جنازه و ختم همراهش بود!

...و دیگر هیچ!

نشان به آن نشان که اقدام این موسسه برای خانه‌دار کردن اهالی سینما یعنی دایر کردن تعاونی مسکن، سال‌ها در قبضه عده‌ای خاک خورد و بعضا به نام اهالی سینما ولی به کام دیگران، زمین و خانه تهیه شد تا این‌که به همت چند نفر از اعضای انجمن منتقدان و نویسندگان سینمایی، تعاونی مسکن فوق از چنگ بنیان‌گذارانش درآمد و بالاخره فعال شد و در دایره‌ای خارج از حیطه فعالیت‌های خانه سینما برای بعضی از اهالی سینما، اقدام به تهیه مسکن و زمین کرد.

نکته

خانه‌ای که بود ولی نبود!

بنابر تمام این واقعیات به احتمال قوی، گردانندگان این موسسه به این باور رسیده‌اند که با آن انفعال شدید صنفی و حضوربی‌خاصیت هنری، بدون این موضع‌گیری‌های شبه سیاسی، اساسا خانه سینما حتی در شکل و قواره یک نام هم توهمی بیش نخواهد بود. بنابراین در این خانه بدون صاحبخانه که هویت واقعی نداشت، شروع به موضع‌گیری‌های شبه سیاسی، صدور بیانیه و اعلامیه‌های حزبی کردند. (همان ماجرای تخم مرغ‌های خیالی فیلم وودی آلن). از همین رو بود که در نخستین جشن سینمای ایران به جای تجلیل از سینماگران، فیلمسازان و هنرمندان، جایزه تجلیل ویژه خود را به هاشمی رفسنجانی اختصاص دادند که به‌رغم این اقدام رانت‌جویانه اما در مقابل حیرت و دهان‌های باز حاضران در آن جشن، مرحوم هاشمی همه اهالی سینما را مواخذه کرد که چرا در فیلم‌های‌شان به پیشرفت‌های کشور و کارهای سازندگی که برای مملکت شده اشاره نکرده‌اند و سال دیگر از مهاجرانی به‌عنوان وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی تجلیل کردند و در مراسمی به‌شدت حقیرانه، رئیس وقت کانون کارگردانان در سخنانی چاپلوسانه از مهاجرانی به زبان لری خواست که از آنها حمایت کند! پس از آن هم، همه روسای صنوف، تابلویی را در حمایت از مهاجرانی امضا کردند. اما در سال‌های اولیه دهه ۱۳۹۰ وقتی دولت وقت، رفتار حزبی خانه سینما را در جهت جناح و فکر خود ارزیابی نکرد به بهانه این‌که اساسنامه‌اش با مصوبات شورای فرهنگ عمومی کشور مغایر است، دست به انحلال آن زد ولی از یک طرف تلاش کرد تا خانه سینمایی دیگر با حضور برخی از اعضای سابق همان خانه سینمای منحل شده به نام خانه سینمای ۲ یا خانه سینمای ایرانیان تاسیس کند و از یک طرف دیگر هم اعلام کرد، خانه سینمای جدید با تشکیل کمیته‌ای هفت نفره (که سه نفرشان از همان خانه سینمای قبلی و منحل شده بودند) تشکیل خواهد شد (بازهم ماجرای همان تخم مرغ‌های خیالی وودی آلن). این درحالی بود که دفتر ریاست جمهوری وقت و رئیس آن یعنی جناب مشایی هم ساز خودش را می‌زد و برای برگزاری جشن خانه سینمایی که از سوی همان دولت منحل شده بود، بود جه جور می‌کرد (امان از تخم مرغ‌های خیالی). پس از آن به دلیل عدم حمایت‌های لازم صنفی، اصناف سینمایی خود را با قوانین وزارت کار مطابقت دادند تا زیر مجموعه آن قرار گیرند یعنی این‌که تقریبا اغلب اصناف سینمایی که ظاهرا عضو خانه سینما بودند براساس قوانین وزارت کار و رفاه اجتماعی تشکل یافته‌اند. در حالی که براساس ماده یک اساسنامه خانه سینما و تبصره ذیل آن، فقط تشکل‌هایی مجاز به عضویت در خانه سینما و حضور در مجمع عمومی هستند که براساس قوانین وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی شکل گرفته باشند و این تناقض خود به خود باعث می‌شود اصناف سینمایی یاد شده نتوانند در عضویت خانه سینما بمانند. حالا توجه بفرمایید. خانه سینما از سوی اصنافی بیانیه می‌دهد که طبق اساسنامه خود خانه سینما، عضوش نیستند و رئیس هیأت مدیره (بدون صلاحیت) آن به نمایندگی از اصنافی سخن می‌گوید که در زیر مجموعه او و موسسه‌اش قرار ندارند! یعنی همان ماجرای تخم مرغ‌های خیالی آلوی سینگر فیلم «آنی هال» وودی آلن!!!

خواندن متن کامل گزارش کیوآرکد را اسکن کنید

قاب

آلن دلون در تهران ۴۳

علی رستگار: کارنامه آلن دلون، ستاره سال‌های دور سینمای فرانسه خط و ربطی هم با ایران دارد. فارغ از صداپیشگی شنیدنی خسرو خسروشاهی در نسخه‌های دوبله فارسی که آلن دلون را برای مخاطبان ایرانی جذاب‌تر می‌کرد، او در سال‌های پیش از انقلاب هم سفری به ایران داشت. به جز این سال ۱۹۸۱ آلن دلون در فیلمی مرتبط با ایران هم جلوی دوربین رفت؛ فیلمی بین‌المللی و محصول شوروی، فرانسه و سوئیس با نام‌های مختلف از جمله «تهران ۴۳» و «قصد ترور». فیلم البته اثر خوبی نیست و برخلاف اسمش در تهران و ایران هم فیلمبرداری نشد و حتی دلون هم آن درخشش همیشگی‌اش را ندارد. تنها مورد مهم و قابل اشاره‌اش این‌که فیلم به کنفرانس تهران می‌پردازد که با شرکت چرچیل، روزولت و استالین بدون اعتنا به شاه ایران و در چنین روزهایی در تهران سال ۱۳۲۲ برگزار شد و تلاش یک افسر بلندرتبه نازی را برای ترور آنها روایت می‌کند.

اکران

«بخارست» نیامده صدرنشین گیشه شد

هنوز ۱۰ روز از اکران فیلم «بخارست» نگذشته است که این فیلم کمدی صدرنشین گیشه شد.

با وجود این‌که فیلم‌های سینمایی در هفت روز گذشته به فروش آرام خود ادامه دادند، نکته مهم گیشه که قابل پیش‌بینی هم بود، صدرنشینی فیلم سینمایی کمدی بخارست به کارگردانی سیدمسعود اطیابی بود.

این فیلم سینمایی در مدت ۱۰ روز اکران خود توانسته است فروش دومیلیارد و ۶۵۰ میلیونی را داشته باشد. به دنبال آن دو فیلم انیمیشن «لوپتو» و «پسر دلفینی» رتبه‌های بعدی گیشه را از آن خود کرده‌اند تا استقبال خانواده‌ها، کودکان و نوجوانان از این دو اثر همچنان ادامه داشته باشد. براساس آمار فروش سینماها در هفت روز گذشته، لوپتو یک‌میلیارد و ۴۹۱ میلیون تومان و پسر دلفینی ۴۶۴ میلیون و ۷۷۰ هزار تومان فروش داشته‌اند.

پژمان جمشیدی، حسین یاری، امیرحسین آرمان، هادی کاظمی، غلامرضا نیکخواه، بابک کریمی، ایمان صفا، وحید آقاپور، رضا بهبودی و غزاله نظر از بازیگران فیلم کمدی بخارست هستند. سیدمسعود اطیابی، کارگردان بخارست در این چند سال اخیر با چند فیلم پرفروش از جمله «انفرادی»، «دینامیت» و «تگزاس» صدرنشین گیشه بوده است.

سینمای جهان

کارگردانی دوباره بعد از بازی در ۵۲۵ فیلم

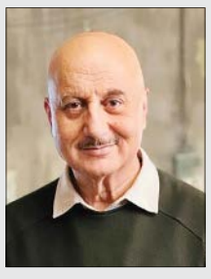

بازیگر پرکار و باسابقه سینمای هند می‌گوید آماده است تا بعد از ۲۰ سال دوباره روی صندلی کارگردانی بنشیند. آنوپم کهیر، بازیگر محبوب هندی که بازیگر فیلم‌هایی چون «دفترچه امیدبخش» دیوید اوراسل و سریال «نیوآمستردام» بوده و سال ۲۰۲۲ را با بازی در «پرونده‌های کشمیر۲»، «کارتیکیا۲» و «آنوچای» سپری کرد، می‌گوید آماده است تا پشت دوربین برگردد. او که یکی از پرکارترین بازیگران هند و سینمای جهان است و بازی در ۵۲۵ فیلم را در کارنامه دارد، در حاشیه جشنواره بین‌المللی فیلم هند گفت: خواهرزاده‌ام اوتیسمی است و من داستانی دارم درباره یک پدربزرگ و نوه اوتیسمی او که با هم زندگی می‌کنند. می‌خواهم فیلمنامه‌اش را بنویسم و ممکن است تا پایان امسال یا سال آینده کارگردانی‌اش را شروع کنم. کهیر ۲۰ سال پیش با ساخت «OmJaiJagadish» برای نخستین بار روی صندلی کارگردانی نشست اما دیگر این تجربه را تکرار نکرد. او به جز این پروژه، این روزها مشغول بازی در فیلم «کالری» است که در هند و کانادا ساخته می‌شود./ مهر